نقش محوری ثابت‌های منطقی در صوری‌سازی منطق

اینجا هم همینطور است. حضرت علیه السلام ضمیری که در «غیره» را آورده‌اند، به این صورت شده است. ضمیر از ثابت‌های منطقی است که اگر بشر نبود، آن هم نبود. اصالً نوعاً منطق برای فضای ذهن است؛ «subjective» خودش را حفظ می‌کند. البته بعضی از ثابت‌های منطقی در ارتباط با بیرون از ذهن و بشر هم هست، اما شاید بالای هشتاد-نود درصد از ثابت‌های منطقی هستند که اگر بشر نباشد، هستند. یعنی به بشر بند است.

شناسایی ثابت‌های منطقی خیلی مهم است. نمی‌دانم هیچکدام پی آن‌ها را گرفتید که شماره بگذارید یا نه. الآن سه-چهار مورد آن معروف است. اگر شماره بگذارید، شاید شصت-هفتاد مورد بشود. چیزهای خیلی خوب که ریخت همه‌ی آن‌ها، ریخت ثابت‌های منطقی است و در صوری‌سازی محض این‌ها دخیل هستند. متأسفانه در منطق جدید، آثار بدی گذاشته است. قبلاً هم عرض کرده‌ام، دوباره می‌گویم تا بماند، البته احتمال قوی این است که من اشتباه می‌کنم. از کمبود اطلاع بنده است.

در جلسه‌ی فردا هم اگر زنده بودم، باید همین ها را عرض کنم. صوری‌سازی به‌صورت ناقص انجام شده است و این ناقص انجام‌شدن، آثاری داشته است. یعنی ثابت‌های منطقی که بسیار مهم است را در منطق گزاره‌ها با یک ابهامی سر رسانده‌اند. بعد هم در یک قرنی که دارد، می‌گذرد، در منطق‌هایی که بعدش آمده است، بالایی به پا کرده است. سر این است که از روز اول باید ثابت‌های منطقی شناسایی شود. این ثابت‌های منطقی صوری‌سازی دقیق و محض شود تا بعداً منطق را پایه‌ریزی کنند. اینطور نشده است. از اول درکی که یک نفر از آن‌ها از منطق گزاره‌ها با فهم خودش داشته است...؛ یعنی در منطق گزاره‌ها، دقیقاً فهم فلسفی و فرازبانی آن‌ها، از سیستم گزاره‌ها دخالت کرده است و الّا منطق گزاره‌ها که منطق گزاره‌ها نیست، یک چیزی که ... . نه اینکه نیست، منظورم این است که آن پایه‌ی اصلی که باید به‌صورت درست با صوری‌سازی محض آمده باشد، نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:08:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 15:13:27 توسط ... .